

مکت

شوهر جوان جسد همسرش را در روستا دفن کرده بود راز گشایی از یک قتل معمایی



شهر وند | از جنایت ۸ ماهه با تلاش کار آگاهان پلیس فاش شد. تنها مظنون این جنایت که سکوت کرده بوده، در تحقیقات قضایی، باستانسرای می کند. این مرد ادعا می کند قاتل نیست و تنها جسد همسرش را در روستا دفن کرده است.

۱۴ آبان ماه، پرونده ناپدید شدن زن ۳۳ ساله ی پیشروی مأموران کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس قرار گرفت. بررسی ها نشان می داد، مرد همسرش پیش با مردی به نام سجاد عقد کرده بود اما از ۴ ماه پیش، او ناپدید شده است.

خبری از مریم ندمار در اولین مرحله، کار آگاهان به تحقیق از همسر فقذلی که نام سجاد پرداختند. او در اظهاراتش به کار آگاهان گفت: «حدود دو سال پیش با مریم عقد کردم اما به واسطه برخی مشکلات، ۱۶ خردادماه به صورت توافقی با مراجه به دفتر خانهای در منطقه کیانشهر از یکدیگر جدا شدیم و پس از آن هیچ اطلاعی از وی ندارم.»

کار آگاهان اطلاع پیدا کردند که مریم به خاطر مشکلات خانوادگی و پس از فوت پدر و ازدواج مجدد مادرش، از همان دوران تمایل داشته تا به تنهایی زندگی کند. ۲ سال از ازدواجش با سجاد می گذشت که برابرا دعای سجاد از یکدیگر متار که مریم با خاوند هاشم ارتباط نداشت و آنها از این موضوع اطلاعی نداشتند.

تحقیقات نشان می داد که خودرو ۲۰۶ و ویلای مریم در شهرستان فریدونکنار در اختیار سجاد قرار دارد. این مرد و کالت تاملاختیار از همسرش داشت و توافقی بود ویلا را به فروش برساند. وقتی سجاد بار دیگر به پلیس آگاهی فراخوانده شد به مأموران گفت: «مریم ۱۳۰ میلیون تومان به من بدهکار بود و به همین دلیل، خودرو ۲۰۶ و ویلای فریدونکنار را به من تحویل داد.»

دستانسرایهای عجیب کار آگاهان بررسی صحت اظهارات سجاد در خصوص متار که او از همسرش، به دفتر خانه کیانشهر رفتند اما مشخص شد که چنین دفتر خانهای در منطقه کیانشهر وجود ندارد و سجاد نیز برخلاف ادعای خود مبنی بر متار که قادر به ارایه هیچ گونه مدارک قانونی در خصوص طلاق نبود.

وقتی مشخص شد، تمامی اظهارات همسر مریم دروغ است، سجاد ۱۲ اسفندماه در منطقه تهرانپارس - میدان آست - خیابان ۱۹۶ شرقی دستگیر شد.

هنوز چند ساعت از انتقال سجاد به اداره یازدهم نگذشته بود که او در اظهاراتی جدید گفت: «سوم خردادماه از مغازه به خانه آمدم و دیدم که مریم در خانه افتاده است! از وحشت، تا نیمه شب منتظر ماندم. جسد مریم را اسوار ماشین و در روستایی در نزدیکی فیروز کوه خاک کردم.»

سجاد در پاسخ به این سوال که «چرا همسر تان را به بیمارستان نزدیدی؟» تنها یک کلمه گفت: «ترسیدم.» با توجه به اظهارات جدید سجاد در خصوص انتقال مریم به روستایی در شهرستان فیروز کوه، کار آگاهان به این روستا رفتند و با راهنمایی مرد جوان، بقایای یک جسد در عمق ۱۸ متری زمین کشف، جهت مشخص شدن هویت و دیگر اقدامات قانونی به پزشکی قانونی منتقل شد. با توجه به کشف بقایای جسد و احتمال وقوع جنایت، متهم، با بازداشت موقت در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

روی خط حادثه

سقوط مرگبار سنگ در معدن اصفهان

جوان ۳۰ ساله بر اثر سقوط سنگ بزرگی در معدن شن مهیار جان باخت. ساعت ۱۵ دوشنبه بر اثر سقوط سنگ در معدن شن مهیار روی کابین یک دریل سنگ شکن، راننده این وسیله در زیر سنگ گرفتار شد. پس از اعلام این حادثه واحدهای امداد اورژانس ۱۱۵ از شهرضا و مبارک و نیروهای آتش نشانی و هلال احمر به سرعت به محل اعزام شدند و به دلیل اینکه سنگ فرود آمده بسیار سنگین و غیر قابل جابه جایی بود اقدام درماتی برای فرد انجام شد. اندام تحتانی سمت چپ مضموم بین دستگاه سنگ شکن و سنگ گیر کرده بود و عوامل امدادی دید کافی از وضعیت وی نداشتند و خون در محل اطراف سنگ جاری بود. عوامل امداد و نجات حاضر در محل، از حک برای جابه جایی سنگ استفاده کردند اما سنگ به دلیل وزن زیاد هیچ حرکتی نکرد. ساعت ۱۲ شامگاه دوشنبه گذشته تیم های بیهوشی و اورژانس به محل آمدند اما هنگام حضور آنها فرد گرفتار دچار ایست قلبی روی شد. باین وجود تیم پزشکی که اهی جز قطع پای مرد جوان نداشتند پایش را قطع و او را آزاد کردند و با آمبولانس اورژانس به بیمارستان الزهرا (س) اصفهان اعزام شد. متأسفانه تلاش تیم های امدادی برای احیای فرد حادثه دیده در مسیر بیمارستان بی نتیجه ماند و این جوان جان خود را از دست داد.

با اجرای عملیات امدادگران هلال احمر صورت گرفت

نجات ۱۷ جهانگرد آلمانی از کولاک و برف

امدادگران هدیه به این گروه از گردشگران را به کودکان بی سرپرست آلمانی تقدیم کردند



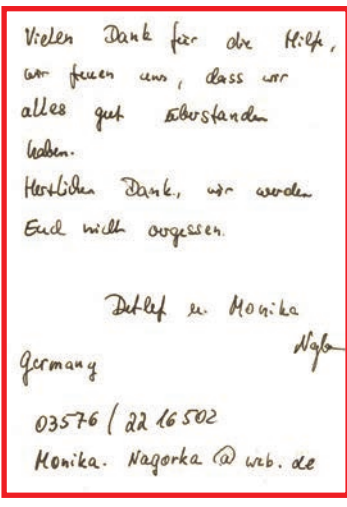
عکس ها: محمد مهدوی / هلال احمر امل

شهر وند | ۱۷ جهانگرد آلمانی وقتی برای پیاده روی به ارتفاعات دماوند رفته بودند گرفتار کولاک و مه غلیظ شدند و در دره ای پناه گرفتند. چند ساعت دلهره و اضطراب کافی بود تا این ۹ زن و ۸ مرد آلمانی در عملیات منسجم و نفسگیر امدادگران هلال احمر امل از مرگ نجات پیدا کنند. این گروه با هدای ۲۰۰ یورو به سازمان هلال احمر از اعضای نجاتگر تیم های امدادی قدر دانی کردند که با بزرگساری سرپرست جمعیت هلال احمر شهرستان امل این بول برای کمک به کودکان بی سرپرست آلمانی اهدا شد.

جهانگردان آلمانی وقتی دومین روز از اسکان شان در منطقه ایگرم امل را اسیری می کردند، هرگز تصور نمی کردند حادثه های هولناک آنها را تا یک قدمی مرگ قرار خواهد داد. صبح روز دوشنبه بود که زنان و مردان میانسال آلمانی تصمیم گرفتند برای پیاده روی به ارتفاعات برونند، با هماهنگی یک راهنما و یک مترجم این تور گردشگری با یک بومی منطقه که سلسله ۴۰ ساله کوهنوردی در ارتفاعات دماوند را داشت، عازم کوه شدند. در حالی که هوا رو به تاریکی می رفت و آسمان دماوند از تفاق قلعه را مه غلیظ محاصره کرده بود ناگهان برف پرگشت. ۳۰ زن و مرد گردشگر در محاصره کولاک و مه قرار گرفتند. کم راه شان مسدود شد و در مسیر خوانی اشتباه، راه را گم کردند.

عملیات نفسگیر امدادگران هلال احمر ساعت ۶ عصر روز دوشنبه امدادگران هلال احمر امل در جریان گم شدن جهانگردان آلمانی قرار گرفتند. با اعلام این خبر بلافاصله تیم های جست و جو نجات راهی کوهستان برفی شدند. مهدی ولی پور مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان مازندران در رابطه با این عملیات به «شهر وند» گفت: «روز دوشنبه ۱۷ تبعه آلمانی برای صعود به قله دماوند به بالای شهرک صنعتی گرنه رفته بودند که گرفتار برف و کولاک شدیدی شده و مفقود شدند. این افراد کوهنورد نبودند و در قالب تور گردشگری عازم بخش لاریجان امل شده بودند. لیدرهای ایرانی این گروه جمعیت هلال احمر شهرستان امل در خواست کمک کردند تا این توریست ها پیدا شوند. با اعلام این خبر بلافاصله ۱۲ نیروی امدادی ۳ پایگاه بلور، گرنگ و امل راهی منطقه شدند.»

پناه گرفتن در دره برفی وقتی عملیات امدادگران هلال احمر برای پیدا کردن ردی جهانگردان گمشده آغاز شد، هیچ کسی تصور نمی کرد آنها تا رسیدن گروه نجات، در دره ای پناه گرفته باشند. ساعت ۳ آبدی فاصله گرفته بودند و هر لحظه بر شدت کولاک و مه غلیظ افزوده می شد. تا این که بعد از ۶ ساعت جست و جو در ارتفاعات مه آلود ردی از جهانگردان آلمانی در یک دره پیدا شد. جمشید نیکزاد سرپرست جمعیت هلال احمر شهرستان امل که این عملیات را حضوری هدایت می کرد در رابطه با جزئیات این حادثه به «شهر وند» گفت: «ساعت ۰۶:۲۰ دقیقه عصر روز دوشنبه از طریق تماس تلفنی در جریان گم شدن ۱۷ گردشگر آلمانی که به همراه ۲ لیدر و یک راه بلد بومی به ارتفاعات برفی قله دماوند رفته بودند، قرار گرفتیم به دلیل بوران برف و مه شدید مسیر را گم کرده و با نقشه خوانی اشتباه در دره ای گرفتار شده بودند. با اعلام این خبر بلافاصله یک تیم امداد و نجات جاده ای و یک پایگاه امدادی کوهستان و تیمی از پشتیبانی هلال احمر امل به منطقه اعزام شدند. مه غلیظ شب سراسر از ارتفاعات را فرا گرفته بود و عملیات نجاتگر هلال احمر را با مشکل مواجه می کرد. با اطلاعات به دست آمده منطقه را تحت بررسی ویژه قرار دادیم و خیلی زود محل قرار گرفتن آنها را شناسایی کردیم. منطقه گرفتاری



تیم جمعیت آلمانی جهانگردان آلمانی

جهانگردان باخودرهای هلال احمر به فدراسیون کوهنوردی شهر «رینه» امل منتقل شدند. تا این که پس از ۶ ساعت جست و جو جهانگردان آلمانی در حالی که در یک دره پناه گرفته بودند، پیدا شدند. این گروه که متشکل از ۹ زن و ۸ مرد توریست آلمانی بودند با میانگین سنی ۵۰ سال، ساعت های سختی را سپری کرده بودند. این جهانگردان تنها به منظور پیاده روی کوه شده بودند و همین دلیل تجهیزات تخصصی کوهنوردی به همراه نداشتند. بعضی از اعضای این گروه آلمانی به دلیل وحشت و سردم راه وضع مناسبی قرار نداشتند. با کمک های اولیه امدادگران هلال احمر و توزیع آب و خرم را در بین اعضای این گروه، بلافاصله با بستن طناب گر گرفتارگان را از دره برفی نجات دادیم و به دلیل این که اتوبوس توشان در میان برف و کولاک گرفتار شده بود این

جهانگردان باخودرهای هلال احمر به فدراسیون کوهنوردی شهر «رینه» امل منتقل شدند. تا این که پس از ۶ ساعت جست و جو جهانگردان آلمانی در حالی که در یک دره پناه گرفته بودند، پیدا شدند. این گروه که متشکل از ۹ زن و ۸ مرد توریست آلمانی بودند با میانگین سنی ۵۰ سال، ساعت های سختی را سپری کرده بودند. این جهانگردان تنها به منظور پیاده روی کوه شده بودند و همین دلیل تجهیزات تخصصی کوهنوردی به همراه نداشتند. بعضی از اعضای این گروه آلمانی به دلیل وحشت و سردم راه وضع مناسبی قرار نداشتند. با کمک های اولیه امدادگران هلال احمر و توزیع آب و خرم را در بین اعضای این گروه، بلافاصله با بستن طناب گر گرفتارگان را از دره برفی نجات دادیم و به دلیل این که اتوبوس توشان در میان برف و کولاک گرفتار شده بود این

توان جسمی قدرت کوچکترین حرکت را از دست داده و شرایط بحرانی را سپری کرده بودند و هنوز باور نداشتند امکان نجاتشان فراهم شده باشد، همین خاطر نیروهای هلال احمر با حمایت روانی خیلی زود توانستند گردشگران آلمانی را به حالت روحی مناسب برگردانند. جمشید نیکزاد در رابطه با قدر دانی آلمانی ها از تیم های امداد و نجات هلال احمر امل به «شهر وند» گفت: «همه جهانگردان با بیان این که ما مرگ را جلوی چشمان مان دیدیم از اقدام جمعیت هلال احمر ایران برای نجاتشان



تشکر کردند. سرپرست این گروه به همراه مترجم شان به سمت امداد و با هدای ۲۰۰ یورو از طرف اعضای گروه شان از اقدامات امدادگران قدر دانی کردند. به او گفتیم این وظیفه و مایهت حرفه ای این سازمان است و مانجات جان انسان ها از خصوصیات تعریف شده برای تک اعضای هلال احمر کشورمان است، با این وجود من هدیه شما را می پذیرم، اما آن را تقدیم می کنم به شما تا در کشور آلمان به کودکان بی سرپرست آلمانی هدیه دهید.» جهانگردان با نوشتن نامه محبت آمیز به زبان آلمانی از امدادگران هلال احمر تقدیر کردند.

ذره بین

بازداشت قاتل عصا به دست در حال گدایی



شهر وند | مرد عصا به دست که مادرش را به خاطر ارث و میراث به قتل رسانده بود در حال گدایی از سوی مأموران دستگیر شد. یازدهم اسفند امسال، مردی به پلیس کرج مراجعه کرد و به مأموران گفت: برادر ۲۵ ساله ام با مادر و پدرش در یک خانه زندگی می کند. دیروز برادر زاده ام تماس گرفت و گفت که پدر و مادر بزرگش در خانه نیستند و در رازباز نمی کنند. برادر زاده ام پیش من آمد. من هم هرچه با مادر و برادر تماس گرفتم خبری از آنها نبود. برای همین به خانه آنها رفتم و با کلید در را باز کردم. وقتی وارد خانه شدم در اتاق مادرم قفل بود و هرچه تلاش کردم نتوانستم در را باز کنم. با این اظهارات پلیس به خانه این مادر و پسر رفت و پس از ورود به خانه و باز کردن در اتاق با جسد زن میانسال روبه رو شد. بالای سر این جسد نیز نامه ای پیدا شد که در آن نوشته شده بود: «مادرم را به قتل رساندم و قصد دارم خودکشی کنم.» بنابراین پسر این زن تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. در تحقیق از برادر متهم تیم جنایی متوجه شد که مظنون پرونده با عصا راه می رود. برای همین همین تجسس ها در خصوص دستگیری مرد عصا به دست آغاز شد و در نهایت متهم درست وقتی که در گرمخانه شهرداری در حال گدایی دستگیر شد. این مرد تحت بازجویی قرار گرفت و به مأموران گفت: «سال پیش پدرم تصادف کرد و حافظه اش را از دست داد. برادر و خواهرهایم تمام ارب و میراثمان را به نام مادرم زدند. دوسال بعد از آن ماجرا پدرم فوت کرد من مخالف بودم که از شیبه به مادرم برسد اما این در حالی بود که مادرم به برادر و خواهرم کمک مالی می کرد. ما دو خانه و یک مغازه داشتیم که بین خواهر و برادرم تقسیم شده و چیزی به من نرسید.» وی ادامه داد: «روز حادثه به مادرم گفتم که یک میلیون تومان به من پول بده تا بنداندازی پزشکی بروم. مسافر ۵۰۰ هزار تومان به من داد ولی شروع کرد به داد و بیداد که تو این پول را برای کار دیگری می خواهی خرج کنی. من هم او را هل دادم و جلوی دهانش را گرفتم ولی خفه شد. برای همین ترسیدم و نامه نوشتم تا همه تصور کنند من خودکشی کرده ام. بعد از آن به گرمخانه شهرداری رفتم و میان گداهای زندگی کردم.» بعد از اتفاقات متهم وی با قرار قانونی روانه بازداشتگاه شد و تحقیقات در این خصوص در شعبه هفتم دادسرای جنایی با ریاست قاضی سعید احمد بیگی ادامه دارد.

Advertisement for 'Agheh' (آگهی) featuring a list of services and contact information. It includes details about legal and administrative services provided by the company.

Advertisement for 'Agheh' (آگهی) with a focus on 'Arziyabi' (ارزیابی) services. It highlights the company's expertise in financial and business evaluations.

A large advertisement for 'Agheh' (آگهی) titled 'Arziyabi' (ارزیابی). It details the company's services in business valuation, financial analysis, and legal support. The ad includes contact information and a list of services offered.

Advertisement for 'Masafar Fransosy' (مسافر فرانسوی) featuring a photo of a woman and a man. The ad promotes travel services to France.

Advertisement for 'Masafar Fransosy' (مسافر فرانسوی) featuring a photo of a woman and a man. The ad promotes travel services to France.

Advertisement for 'Shahrvand' (شهر وند) featuring a photo of a person. The ad promotes various services and activities offered by the organization.